

نمی دانم شما هم دقت کرده باشید به اینکه در این دوران قرنطینه دو تعطیلی اتوبوس و مترو، چقدر دو چرخه و دوچرخه سوار زیاد شده بود؟ حالا یک عده برای تفریح استفاده می کردند و عده ای هم به عنوان وسیله حمل و نقل. اما به جز دوچرخه، بازار اسنپ و تپسی هم گرم بود، چرا که عده ای مجبور بودند برای رفتن به محل کار یا رسیدن به مقصد خود، از آن ها استفاده کنند. این شد که اسنپ و تپسی یکه تاز عرصه حمل و نقل عمومی شدند و البته کار بسیاری از مردم را راه انداختند، اما مشکلی به وجود آمد که داد استفاده کنندگان از تاکسی های آنلاین را در آورد؛ افزایش ناگهانی قیمت!

● از خونه تا خونه ۱۰ تومن!

ماجرای این قرار است که درست در زمانی که مردم داشتند از این تاکسی های آنلاین استفاده می کردند و تنها با معلوم کردن مبدأ و مقصد، تاکسی می آمد دم در خانه شان و همه چیز باب میل همگان بود، قیمت سفرها خیلی بی سرو صدا زیاد شد، آن هم نه یکی دو درصد، بلکه گاهی تا بیش از ۵۰ درصد. کاربران فضای مجازی هم در مقابل این افزایش قیمت ها ساکت ننشستند و اعتراضات خود را در صفحات عمومی و شخصی ابراز کردند. بعضی به مقایسه قیمت قدیم و جدید مسیرهای همیشگی شان اشاره کرده بودند و یکی از آن ها هم کار جالبی کرده بود: «اسنپ گرفتم مبدأ رو زدم در خونه، مقصد هم در خونه، بعد کرایه شد ۱۰ هزار تومن». البته این کامنت بی جواب نمانده و جوابیه های زیادی از طرف موافقان و مخالفان گرفته است، مخالفانی که احتمالا خودشان راننده اسنپ و تپسی هستند و اتفاقا پیراهن نمی گویند. مثل این جوابیه: «اسنپ نگیر آقا، از خط واحد استفاده کن

نداری پیاده برو!

درباره افزایش ناگهانی کرایه تاکسی های آنلاین



طرح: علیرضا پاکدل، شهرآر

می صرفه برات! اسنپ و تپسی شما رو پروو کردن که به مفت بری عادت کردی! اسنپ بگیریم ببینیم کی لنگ تاکسی می شه». البته کاربران دیگری هم بودند که رسماً اعلام کرده بودند راننده این تاکسی ها بوده اند و افزایش قیمت را کاملاً منطقی می دانستند: «به عنوان یه راننده سابق اسنپ و تپسی، کار کردن اصلاً مقرون به صرفه نیست، حتی اون موقع که بنزین ۱۰۰۰ تومن بود. ضمناً کولر

اگه خاموش باشه به راننده اخطار می دن و دیگه سرویس نمی دن. دوستانی که می گن گرون شده خبر از افزایش قیمت ماشین دارن؟ لوازم یدکی چطور؟ برای من جالبه ماکارونی ۲ برابر شد، کسی اعتراض نکرد ولی برای کرایه ماشین همیشه معترض اند.»

● عادت عجیب ایرانی‌جماعت!

اگر بنا را بگذاریم به گرانی قطعات و بنزین و...، چرا گران شدن باید ناگهانی باشد؟

هم تصمیم گرفتند کرایه ها را ۲ برابر کنند. شرکت ایرانی اگر جیب مردم رو خالی نکنه که دیگه شرکت نیست!» در صورتی که همه انتظار دارند در چنین شرایطی که نیاز به یک چیز بیشتر شده، کد تخفیف های بیشتری در اختیار مشتریان قرار گیرد. یا به آن اصل «سود کمتر، مشتری بیشتر» اکتفا کنند و وقتی تعداد مشتریان زیاد شده، از سود زیاد بگذرنند، اما این چنین شرایطی را پیش از این هم دیده ایم و «این گرون کردن اسنپ و تپسی تو این شرایط، درست مثل اون راننده تاکسی هایبه که توی بارون کرایه رو بالا می بردن.»

● نبود نظارت کافی و افزایش قیمت ها اما کاربران و مشتریان چه کاری می توانند انجام دهند و وقتی هنوز سایه کرونا روی سرشان سنگینی می کند و استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی با اما و اگر همراه است؟ هر قدر هم بخواهند استفاده از تاکسی های آنلاین را تحریم کنند تا قیمت ها را پایین بیاورند، باز هم عده ای چاره ای جز استفاده از آن ها ندارند: «اسنپ بیش از حد گرون شده، مترو هم بس خطرناک، خانه هم چیتگر و دانشگاه حکیمیه، خداوند امتحاناتم را به خیر کند!» البته ما تجربه تحریم های این چنینی را در گران شدن همه چیز داشته ایم، از گوشت و آجیل گرفته تا همین بنزین که هیچ کدام از تحریم ها و پویش ها نتیجه ندادند و اتفاقاً صفرا هم فروزدند و به جای اینکه مشتریان شان کم شود، برای خرید هر کدام صف بستند. وقتی نهاد نظارتی برای تعیین قیمت ها نباشد این مشکلات هم پیش می آید، اما حل این موضوع حرکت روی لبه تیغ است، از یک طرف مردمی که توانایی پرداخت کرایه های بالا را ندارند و از طرف دیگر باز هم مردمی هستند که نان شبشان از ایسن راه درمی آید و هیچ سلطان تاکسی ای در کار نیست که ششاسایی و دستگیر شود و اعتراض ها تا مدتی کاهش پیدا کند.

می توانست به مرور اتفاق بیفتد. چرا این گرانی باید دقیقاً در زمانی که مردم نیاز بیشتری به تاکسی های آنلاین دارند، اتفاق بیفتد؟ هر چند در ایران رسم است که تا تقاضا در محصول یا خدمتی زیاد شود، قیمت آن نیز افزایش پیدا می کند و به قول سردبیر خبرگزاری وانا در توییتر: «مردم به خاطر شرایط کرونا مجبورند از اسنپ و تپسی استفاده کنند، مدیران این ۲ شرکت

حسین دهباشی
مستندساز

- آتش سوزی های بزرگ از زمین خاموش نمی شوند.
- روسیه و چین دارای ده ها فروند هواپیمای غول پیکر آتش نشان اند که می توان قرض گرفت.*
- دانستنی های غیر مفید.
- #زاگرس

حسام الدین آشنا
مشاور رئیس جمهور

کسی که ادعا می کند مطالبی را از منابع موثق شنیده لطفاً بگوید:

- آن منابع به او دستور دادند گفته هایشان را علناً نقل کند یا از او خواستند مطالب پیش خودش بماند؟
- آیا صحت مطالب را با خود افراد مورد نظر مرور کرده اید یا اسیر برخی شیطنت های اطرافیان شده اید؟

مصطفی قاسمیان
روزنامه نگار

پهروز، فرزند پرویز پرستویی، در سریال هم گناه نقش جوانی پدرش را بازی می کند. آن وقت خود پرویز خان امروز در نشست خبری گفته: «در یک سکانس با پسر هم بازی بودم.» چطوری ممکن است؟

بیان کرده است که این پول را صرف احتیاجات ۲ خیریه می کند. علاوه بر این، پای سگ هایشان نیز به میان آمد که نگهداری از آن ها به عهده هرد گذاشته شد. گذشت زمان اما نتوانسته جارو جنجال این جدایی را بخواباند. ظاهراً مستنداتی به دادگاه ویرجینیا ارائه شده است که نشان می دهد آخرین پیام امیر هرد به همسرش این بوده است: «با من عادلانه رفتار کن. من و تو روی روابط خود کنترل داریم، بیا سعی کنیم یکدیگر را دوست داشته باشیم.» علاوه بر این، به نظر می رسد چندان هم از جانی دپ متنفر نبوده، چون در یکی دیگر از پیام هایش نوشته است: «فکر می کنم تو در خواست طلاق کرده ای. متأسفم اگر به تو صدمه زده ام. من عاشق تو هستم.»

● ماجرای انگشت قطع شده و موبایلی که پرتاب شد

با این اوضاعی که در پیش است و هرازگاهی حرف و حدیث جدیدی به این داستان اضافه می شود، اصلاً بعید نیست مدتی بعد دوباره مستندات جدیدی رو شود و یک طرف این ماجرا زیر سؤال برود. در ابتدا ادعاهای امیر هرد حسابی این گمان را به وجود آورد که به شکل فجیعی قربانی خشونت همسرش شده است. او گفته بود که توسط جانی دپ مورد ضرب و جرح قرار گرفته و گوشی تلفن همراهش را به سوی او پرتاب کرده است. هرد حتی تصویری از صورت کیود و کتک خورده خود را هم منتشر کرد که این مرتبه خود دپ را به زبان آورد و گفت: تمام این اتفاقات از پیش برنامه ریزی شده است. در مقابل،

حدود ۵ میلیون دنبال کننده دارد.

شبنم رحمتی
روزنامه نگار



سایت کنفدراسیون فوتبال آسیا AFC تصویری از دختر ایرانی با توپ پلاستیکی در سواحل هرمزگان منتشر کرده و نوشته است: «فوتبال برای همه».

علی نیکزاد
نایب رئیس مجلس شورای اسلامی

کشور و جوانی که می تواند ماهواره به فضا پرتاب کند حتماً می تواند خود روی ملی در شان مردمش بسازد؛ در جلسه امروز با سرپرست وزارت صمت و رئیس دانشگاه علم و صنعت موضوع تولید خودرو ملی در دستور کار قرار گرفت و شخصاً این موضوع را تا انتها پیگیری خواهیم کرد.

صابر ابرار
بازیگر



«ها را ها چی بو» زاپنی ها وقتی ۸۰ درصد از معده را با غذا پر می کنند، این جمله را در سر می گویند و میز را ترک می کنند. دلیلشان فضای ۲۰ درصدی خالی است، تا غذا راحت هضم شود.

حالا من اعتقاد دارم «ها را ها چی بو» به درد همه زندگی می خورد. از غذا خوردن تا عاشق شدن. غذا که مدام تکرار می شود و عشق که کم. کاش قبل از بالا آوردن عشق، کاش قبل از سنگین شدن در عشق، کاش در همان لحظه مزه کردن و به وقت همه چیز را نگه داریم، جلوتر نرویم. مراعات کنیم و مراقبت. باید جایی خالی برای هضم یکدیگر بماند. «ها را ها چی بو» را در ذهنتان بکارید، سبز می شود.

این جانی پر حاشیه!

به بهانه جنجال های جدایی جانی دپ و همسر سابقش که همچنان ادامه دارد



چند تا تخلف مشکلی نداره؟

مهدی محمدی
mahdi.mohammadi@shahrarnews.ir

در خبرها آمده است: «یک پزشک به دلیل گران بودن ویزیت، تقلب و اخذ وجوه مازاد بر تعرفه پزشکی، به ممنوعیت شغل پزشکی تا ۴ سال و ممهور کردن پروانه پزشکی به مهر «تخلف مرتبه اول» و استرداد مبالغ اضافه دریافتی به شاکیان و بیماران (به مبلغ ۲۴۴ میلیون تومان) محکوم شد.»

وی بعد از محکومیت چند سؤال از دادگاه کرده است. مشروح سؤالات وی به این شرح است:

- آیا در دفعه بعدی تخلف، پروانه پزشکی من به مهر «تخلف مرتبه دوم» ممهور خواهد شد؟
- پروانه پزشکی تا چند بار جای این مهر را دارد؟ اگر مهر «تخلف مرتبه شانزدهم» روی پروانه پزشکی جانشد آیا می توان این مهر را پشت پروانه پزشکی که هنوز سفید است زد؟ آیا می شود یک برگه «۴۸» سفید هم به پروانه پزشکی خود بزنم تا مهرهایی که در پشت و رو جا نشده روی آن زده شود؟
- آیا کشیدن دستمال خیس بر روی مهر تخلف باعث کم رنگ شدن آن خواهد شد؟
- آیا کشیدن دستمال خیس تخلف است؟

علاوه بر این پزشک، مردم هم یک سؤال داشتند:

چرا این پزشک بعد از ۴ سال دوباره می تواند به طبابت بپردازد؟

آیا پزشک ها هم مثل آدم بدهای فیلم های ایرانی بعد از گذشت چند سال متحول و آدم مثبتی می شوند؟

نامه به کودکی که هنوز زاده نشده است

من را ببخش که هنوز به دنیا نیامده، این خبر بد را به شما می دهم. راستش را بخواهی در جلسه هیئت دولت تصویب کردند نوزادان جدید فقط با تأیید وزارت تعاون و در صورت وجود منابع به تشخیص سازمان هدمندی یارانه ها مشمول دریافت یارانه خواهند بود.

این یعنی احتمال گرفتن یارانه برای شما نوزادان آینده، چیزی نزدیک به صفر است. فقط مسئولان دلسوز یک جوری این قضیه را مصوب کرده اند که مبادا به مادران باردار استرس و شوک وارد شود.

لطفاً از دست مسئولان ما ناراحت نشو. تو نمی دانی این ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان، حتی آن ۵۰۰ تومان آخرش را اگر به تو ندهند می توانند. ۱۰۰۰ کار واجب تر و مهم تر انجام دهند.

بگذار برایت یک مثال بزنم. براساس ماده ۷۴ قانون مدیریت خدمات کشوری سقف خالص پرداختی به مدیران ۲۳ میلیون و ۵۸۳ هزار تومان است.

من با ماشین حساب، حساب کردم و دیدم برای پرداخت این ۲۳ میلیون و ۵۸۳ هزار تومان باید ۵۱۸ نوزاد جدید، آن ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان یارانه شان را بگیرند.

لذا شما هم خوش حال باش که می توانی سهمی هر چند اندک و به اندازه (یک پانصد و هجدهم) در پرداخت حقوق یک مدیر محترم و دلسوز داشته باشی. اصلاً فرض کن یارانه ات را هم دادند، بدان با آن پول حتی یک بسته پوشک هم به تو نمی دهند. اصلاً بیا یک کار کن! به جای اینکه روی آن ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان تمرکز کنی، تمام تمرکز و تلاشت معطوف به این باشد که در یک خانواده پول دار به دنیا بیایی. در یکی از همان خانواده هایی که ۲۳ میلیون حقوق می گیرند.

البته عادل آذر، رئیس دیوان محاسبات، گفته است ۲۴۱ مدیر بیشتر از این سقف ۲۳ میلیونی و حتی تا ۵۰ میلیون تومان هم حقوق می گیرند. این ۲۴۱ خانواده هم انتخاب بدی نیست برای به دنیا آمدن.

شاید بگویی که برایت مادیات مهم نیست و مهم نیست خانواده ای که فرزندشان خواهی شد پول دار هستند یا خیر ولی سعی کن مادیات برایت مهم باشد. حتی در یک خانواده متوسط هم به دنیا، چون آن ها هم در این شرایط اقتصادی به قشر ضعیف جامعه خواهند پیوست. آن وقت به جای اینکه در شیشه شیرت، شیر خشک بریزند تا در موقع گریه در حالت بی صدا قرار بگیری، مجبورند به تو آب قند بدهند. البته الان قیمت قند به جایی رسیده است که آب قند هم معادل شیر خشک هزینه دارد. البته امیدوارم این اتفاق برایت نیفتد و تو را ببینیم، درحالی که در قامت یک آقا زاده متولد شده ای. به امید دیدار شما در این دنیا!

بعضی وقت ها در زندگی هم این اتفاق پیش می آید. در شطرنج بهش می کنی و توگزوانگ؛ و قتیچه که تنها حرکتی که می تونی بکنی حرکت نکردنه، اما شما باید حرکت کنید، چون نوبت حرکت شماست.

آقای هیچکس زاکووان دورمال

هر کسی فکرمی کند که می داند دیگران چگونه باید زندگی کنند. اما هیچ کس برای زندگی خود ایده ای ندارد.

کیمیاگر پائولو کولنیو

روزنامه شهرامید روزننگاری

شماره ۳۳۱۹
۱۰ شهریور ۱۳۹۹
شماره ۳۳۱۹

روزنامه شهرآر

روزنامه شهرآر

روزنامه شهرآر

روزنامه شهرآر

روزنامه شهرآر

روزنامه شهرآر

طنز و شوخی